

بی بی زینب  
هاشمی \*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۶

فصلنامه علمی تخصصی

اسلام شناسی

تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۷۱

## تشریح حجاب در قرآن و عهدین

### چکیده

پوشش و حجاب اساساً امری فطری است که پیشینه آن با آغاز خلقت انسان و از ابتدا مورد توجه شارع و انبیای الهی بوده است.

در شریعت اسلامی، اصل حجاب، امضایی است و اصل آن در سایر ادیان توحیدی تشریح شده و اسلام مَهر تأیید بدان زده است. خوانش سابقه حجاب در سایر ملل گذشته، خواننده را با نگاه ویژه اسلام به عنوان آخرین دین و بالطبع شریعت ابدی آشنا می‌سازد.

از جمله باورهای نادرست امروزی این است که گویا اصل حجاب، تأسیس اسلام است و ادیان دیگر از این مقوله مستثنی هستند. در مقدمه اشاره‌ای به اصل «عفاف» که کلی‌تر از حجاب است شده؛ چراکه «حجاب اسلامی» در گروی فهم دقیق امر عفاف در نصوص کتب قرآن و عهدین است. بنا به دیدگاه نگارنده، اسلام به «وجوب حجاب» نسبت به آموزه‌های یهودیت و مسیحیت، نگاه معتدلی دارد و آموزه‌های اسلام بیان روشن و شفاف‌تری به این مقوله دارند.

**واژگان کلیدی:** حجاب، عفاف، کتب مقدس ابراهیمی، تشریح حجاب.

## طرح بحث

پوشاندن یا نپوشاندن سر یا بدن مرد و زن در اجتماع، یا به هنگام عبادت، در ادیان گوناگون احکامی ویژه دارد. گاهی مردان به نشانه خضوع در برابر خدا و نیز زنان به نشانه پاکدامنی یا تواضع در برابر جنس مخالف (شوهر یا مردان دیگر) موی خود را می پوشانده اند؛ اما مطلق «حجاب» و «ستر» انسان، اصلی مفروض است و ریشه در آغاز خلقت آدم (علیه السلام) دارد. مغرضان و ناآگاهان معتقدند اصل حجاب فقط در اسلام آمده و این را دستاویزی برای حصر زنان برمی شمردند.

این دیدگاه رایج از ناحیه کسانی است که هرگز از تاریخچه حجاب اطلاعی ندارند.

طبق آیات کتاب مقدس، اصل حجاب، پذیرفته شده است؛ بنابراین نیازی به تفصیل این موضوع نیست. آیات عهد قدیم و عهد جدید به این اصل، اشارت داشته اند؛ اما مدعای این پژوهش این است که پرداختن صاحبان شرایع ابراهیمی گذشته البته بنا بر شواهد موجود از عهدین، به گونه ای شدید و غلیظ است که می توان ادعا کرد حتی قرآن نیز از آن تعبیر و مصادیق استفاده نکرده است! تعبیری چون استفاده از روبند و پوشاندن تمام چهره (العک، ۱۴۱۹ ق: ص ۲۹۶ - ۲۸۸) و حتی مجاز شمردن تراشیدن سر از سوی زنان مؤمنین یهود به خاطر ترس از دیده شدن مو (توفیقی، ۱۳۷۹ ش: ص ۲۷۹-۲۸۰) و ... .

به لحاظ تاریخی نیز شواهد سخت گیرانه ای از تعیین نوع حجاب از سوی سایر ملت ها و تمدن ها در پیش رو است. گزارش های تاریخ نگارانی چون ویل دورانت بیان گر رسم ملل غیر اسلام است:

«زن سرچشمه هر بدبختی دانسته می شد و این موضع گیری منحصر به دین های یهودی و مسیحی نبود.» (ویل دورانت، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۸۵)

علامه مطهری نیز معتقد است:



«در ایران و در بین یهود و سایر مللی که از فکر یهود پیروی می کردند، حجاب به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می خواست حضور داشت. در بین این ملت ها سخن از پوشیدن زن و چهره او نبود؛ بلکه سخن از پنهان کردن زن بود و این فکر به صورت یک عادت جدی در میان آن ها رواج داشت.» (مطهری، ۱۳۷۶ ش: ص ۱۹)

این پژوهش درباره تشریح حجاب در قرآن و عهدین است. چنان که می دانیم امور شرعی در اسلام در یک تقسیم بندی به دودسته احکام امضایی و تأسیسی بخش شده اند.

با توجه به تعریف این دو اصطلاح اصول فقهی، می توان گفت تأسیسی، حکمی که در عرف، وجود نداشته و شارع آن را ابتدائاً تأسیس کرده باشد یعنی امری است که اساساً برای اولین بار در اسلام ذکر شده؛ مثل امر به معروف و نهی از منکر؛

اما امضایی، اموری هستند که در سایر ادیان الهی وجود داشته و اسلام مهر تأیید بدان زده است؛ مانند حجاب. (ولایی، ۱۳۸۳ ش: ص ۱۷۶)

با ملاحظه سابقه حجاب، اکنون باید ببینیم آن اصل در زمان ظهور اسلام چگونه مورد بهره شارع قرار گرفته است.

در مقدمه باید اشاره ای به اصل «عفاف» که کلی تر از «حجاب» است داشته باشیم؛ چه به نظر می رسد اطلاع از نگاه اسلام به «عفت» و شخصیت زن، رهگشا به فهم دقیق امر «حجاب» در نصوص کتب قرآن و عهدین است.

عفت و حیا خصلتی انسانی است که مورد پذیرش همه انسان ها بوده و از دیرباز ادیان آسمانی بدان توصیه کرده اند و در شریعت اسلامی نیز بر آن تأکید فراوان شده است. همین خصلت انسانی یکی از فلسفه های اصلی پوشش آدمی بوده است. (مهریزی، ۱۳۷۹: ص ۳۹)

آیات قرآن و کتاب مقدس درباره ی پیدایش عفاف و پوشش معتقدند در آن زمان بدون آنکه دستوری از ناحیه خداوند برسد و بدون آنکه کسی نظاره گر آن دو (آدم و حوا) باشد، آن دو در پی پوشش و ستر عیوب و عورت خود برآمدند که این امر نشان دهنده بیزارگی و انزجار درونی انسان از



برهنگی و لذا فطری بودن پوشش است. در آیه ۲۲ سوره اعراف می‌خوانیم:

«فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ»

«زشتی برهنگی و کرامت پوشش جزو فطرت انسان است و برهنگی نوعی کیفر الهی است و نه نشانه تمدن و کمال انسان‌ها.» (قرائتی، ۱۳۸۳ ش: ج ۴ ص ۴۰ و ۴۱) آدم و حوا در آن نشسته از حیات به عورت خود توجه نداشتند.

در واقع عورت آنان با لباس خاصی که ویژه آن زندگی بوده است پوشیده شده بود و در اثر گناه، خداوند آن‌ها را کیفر کرده و عریان نموده است. (میبدی، ۱۳۷۱: ص ۵۷۸)

در حقیقت آدم و حوا در اثر گناه از لباس بهشتی که لباس کرامت و احترام خدا بود محروم شدند و به‌طور کلی از این آیه به‌خوبی پیدا است که آن‌ها قبل از ارتکاب به این خلاف برهنه نبودند بلکه پوشش داشتند که قرآن نامی از آن به میان نیاورده است. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۰: ج ۶، ص ۱۱۷-۱۱۸)

در پی «گناه نخستین» بر اساس متن کتاب مقدس و تفاسیر روحانیون یهودی خداوند، ده رنج را به حوا و زنان متحمل ساخت که برخی‌شان عبارت است از:

درد زایمان، حیض، انتظار برای آمدن همسر، رنج تربیت اولاد، حرام بودن ارتباط با مردان به جز شوهر، محبوس بودن در خانه و وجوب پوشاندن موی سر. (تلمود، باب عروین، ص ۱۰۰)

عهد عتیق در سفر پیدایش ماجرای گناه نخستین آدم و حوا، فطری بودن پوشش را این‌گونه بیان می‌کند:

«و آنگاه چشمان هر دو باز شد و فهمیدند که عریان‌اند. پس برگ‌های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشان ساختند.» (پیدایش ۳: ۷؛ ۳: ۲۱) و آیات فراوانی در مورد رعایت حیا و عفت دارد که برای نمونه به یکی از آن‌ها بسنده می‌کنیم:



«زن عقیفه ملتزم به خانه مورد مدح قرار گرفته زن نیکو سیرت عزت را نگاه می‌دارد مانند نیرومندان که اموال را محافظت می‌کنند.» (امثال سلیمان ۱۱: ۱۶)

عهد جدید چونان عهد قدیم، گرچه گناه نخستین را متوجه زن می‌داند:

«آدم فریب نخورد بلکه زن فریب خورده در تقصیر گرفتار شد.» (اول تیموتائوس ۲: ۱۴)

اما هم‌چنان رعایت عفاف و حجاب را متذکر می‌شود:

«هر زنی که سر برهنه، دعا یا نبوت (لفظی درباره اخبار از خدا و ادوات دینی است. مستر هاکس: قاموس کتاب مقدس، ۱۳۸۳ش: ص ۸۷۳) کند، سر خود را رسوا می‌سازد؛ زیرا این چنان است که تراشیده شود.» (اول قرنتیان ۱۱، ۱۳-۱۵)

تفسیر تطبیقی عهد جدید این سخن پولس رسول را دال بر وجوب عفت و پوشش دانسته است و مؤمنان را به رعایت آن دعوت می‌کند. (رک: الخوری، ص ۵۸۹)

## الف. مفهوم‌شناسی حجاب در قرآن و عهدین

### ۱. حجاب در قرآن

واژه‌ی حجاب به معنی پرده، حاجب، پوشیدن و پنهان کردن و مانع است. (راغب اصفهانی، ص ۱۰۸ / قرشی، ۱۳۶۱: ص ۱۰۳ / فراهیدی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۸۶ / ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۱، ص ۲۹۸) با توجه به واژه حجاب، باید گفت که هر پوششی حجاب نیست.

مثلاً قرآن کریم در داستان حضرت سلیمان (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«حتی توارت بالحجاب»؛ (ص / ۳۲)

«تا وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی است.»

با نظر به ریشه لغوی حجاب، برخی ممکن است مدعی شوند نظر اسلام این است که زن باید در پشت پرده، مخفی و بالمآل در خانه محبوس بماند! اما استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش



زن اصطلاحی جدید است؛ زیرا این واژه در گذشته بیشتر در معنای پرده استعمال می‌شد (ر. ک: مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، ص ۷۴)

شاید پوشش زن را به اعتبار در پشت پرده واقع شدن، «حجاب» نامیده‌اند؛ اما امروزه معنای مصطلح واژه حجاب، فقط به معنای پوشش مخصوص زنان به کار می‌رود و از معنای «پرده» به دور افتاده است. از این رو فقها و مفسران متأخر به جای کلمه ستر، یا پوشش زنان، از واژه حجاب استفاده می‌کنند.

## ۲. واژه حجاب در کتاب مقدس عهد قدیم و جدید

به طور کلی لغت حجاب در لغت معادل واژه «Veil» است. (گواهی، ۱۳۸۷: ص ۱۰۸) دایرةالمعارف جوداییکا (معتبرترین دایره‌المعارف یهودیت) ذیل همین واژه می‌گوید که این لغت به معانی مختلفی آمده ولی به طور کلی، پوشش چهره (صورت) است.

علاوه بر پوشش بدن و سر، این پوشش مختص صورت به جز چشم‌ها می‌باشد که شاهد مثال آن رفقه (همسر اسحاق) (پیدایش ۲۴: ۵۸، ۶۷) و تamar (عروس یهودا (پسر یعقوب)) (پیدایش ۳۸: ۱۴، ۱۹) و در کتاب اشعیاى نبی خطاب به دختران بابل و کلدانی (اشعیاى نبی ۲: ۴۷) و چندین جای دیگر در کتاب مقدس است که زنان از برقع (روبند) و چادر استفاده می‌کرده‌اند. حجاب در لغت عبری معادل «هتصاعیف» است و در اصطلاح به معنای ردای پارچه‌ای است که بدن و به‌ویژه سر را می‌پوشاند.

گرچه به لحاظ الهیاتی، کلیات کتاب مقدس عبری مورد تأیید مسیحیت است - و لذا مسیحیت کتاب و شریعت موسوی را عهد قدیم می‌شمرد تا بتواند عهد جدید و در حقیقت آیین نوی خود یعنی دین عیسوی را توجیه کند، بنابراین اصل حجاب در عهد قدیم مورد نظر مسیحیت نیز هست.

البته در ترجمه نسخه‌های کتاب مقدس نزد مسیحیت، لفظ حجاب معادل واژه «Peplum» نیز آمده است. این لغت به معنی ردایی است که زن بر سرش قرار می‌دهد به گونه‌ای که عادت یونانیان بوده و صورت را هم می‌پوشانده و فقط چشم‌ها دیده می‌شده است. ( CHarls Hodge. Commentary on the First Epistle to the corinthians. Mishigan: (Wm.B.Eerdmaans. publishing. 1994. P209.



### ۳. وجوب حجاب و مصادیق آن در قرآن و عهدین

#### – وجوب حجاب و مصادیق آن در قرآن کریم

وجوب حجاب مستفاد از آیات ۳۱ سوره نور و ۵۹ سوره احزاب است.

در سوره نور می‌خوانیم:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛

و به زنان با ایمان بگو: از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیرمجاز) چشم‌پوشی کنند و دامن‌های خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به‌طور طبیعی) ظاهر است، زینت‌های خود را آشکار نکنند و باید روسری خود را بر گردن خود بیفکنند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند، جز برای شوهر خود، یا پدر خود یا پدرشوهر خود، یا پسر خود، یا پسر شوهر خود (که از همسر دیگر است) یا برادر خود، یا پسر برادر خود، یا پسر خواهر خود، یا زنان (هم‌کیش) خود، یا آنچه را مالک شده‌اند (از کنیز و برده)، یا مردان خدمت‌گزار که تمایل جنسی ندارند، یا کودکانی که (به سن تمییز نرسیده و) بر امور جنسی زنان آگاه نیستند؛ و نیز پای خود را به گونه‌ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید و به درگاه خدا توبه کنید تا رستگار شوید.

و در سوره احزاب نیز خداوند می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْرَيْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ

يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛



ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و (اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سرزده) خداوند همواره غفور و رحیم است.

قبل از ورود به بحث، باید توجه داشت که خداوند به امور مربوط به زن و مخصوصاً امور مربوط به شخصیت و کرامت او توجه ویژه‌ای دارد.

استاد قرائتی می‌گوید:

«با اینکه خداوند به عدد رکعات نماز و طواف در قرآن کریم اشاره نکرده است ولی در این آیه (۳۱ سوره نور) ۲۵ بار زنان را مورد خطاب قرار داده است.» (قرائتی، ج ۸، ص ۱۷۶)

خداوند در این آیه به صراحت، حکم و وجوب پوشش زنان را بیان می‌کند. بنا بر این آیه زنان باید روسری خود را به سینه بی‌اندازند. این آیه یک‌به‌یک محارم را بیان می‌کند و خاطرنشان می‌سازد که عورت زن، تمام بدن اوست به‌جز دست‌ها تا مچ و صورت.

خداوند ضمن یادآوری اصل فطری عفاف و حجاب، خطاب به زنان می‌فرماید در رعایت عفت و دوری از اموری که شهوت را در دل مردان شعله‌ور می‌کند آن‌چنان سخت‌گیر و دقیق باشند که حتی از رساندن صدای خلخال که در پایشان است خودداری کنند. (مکارم‌شیرازی، ج ۱۴، ص ۴۴۱)

در این آیه و آیه ۵۹ سوره احزاب به ترتیب از «خُمُر» و «جَلْبَاب» سخن به میان آمده است. شیخ طوسی و علامه طبرسی در مورد این دو واژه معتقدند که خمر روسری‌های کوچکی است که در خانه زنان بر سر می‌کنند و جلباب پوشش سرتاسری یا روسری بزرگی است که از مقنعه بزرگ‌تر و از رداء کوچک‌تر است و تمام بدن و سر را می‌پوشاند. (ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۶۱؛ طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۷، ص ۵۷۸)

علامه طباطبائی نیز معتقد است که جلباب، ملحفه و پوشش چادر مانند است، نه اینکه مانند خمار و روسری باشد. (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۳۶۱)

صاحب تفسیر منهج الصادقین (کاشانی، ص ۳۲۲) نیز جلباب را ثوبی واسع‌تر از خمار و کمتر از





رداء معنا می‌کند.

جلباب از چادر قدری بزرگ‌تر و از عبا کوچک‌تر است که زن به وسیله آن، سر و سینه خود را می‌پوشاند. از معنای جلباب و نظرات مفسرین معلوم می‌شود که دو نوع روسری برای زنان معمول بوده است که یکی از آن‌ها کوچک (خمار) بوده که داخل خانه استفاده می‌شده است و دیگری روسری بزرگ که مخصوص خارج خانه بوده است و این تفسیر با روایاتی که در آن‌ها حفظ جلباب آمده نیز سازگار است.

البته اسلام رعایت این نوع پوشش را به صورت مطلق الزامی دانسته؛ هرچند بعدها برخی افراد آن را استثنا نموده است. این امر نشان‌گر نوع نگاه شارع در نحوه تشریح اصل پوشش است.

قرآن در این باره می‌فرماید:

«وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

و زنان سال خورده که (از ولادت و عادت) بازنشسته‌اند و امید ازدواج و نکاح ندارند بر آنان باکی نیست در صورتی که اظهار تجملات و زینت خود نکنند که جامه‌های خود (یعنی لباس‌های رو مانند عبا و چادر و روپوش و امثال آن) را نزد نامحرم‌ان بگیرند و باز هم عفت و تقوا گزینی (و برنگرفتن جامه) بر آنان (در دین و دنیا) بهتر است و خدا (به سخنان خلق) شنوا و (به اغراض و نیات آن‌ها) آگاه است.

از این رو در روایت امام صادق (علیه‌السلام) نیز آمده:

«مانعی ندارد زن روسری و چادر خود را زمانی که پیر شود کنار بگذارد اما این امر مشروط به دو شرط است که زینت نکنند و نیز قصد ازدواج و توانایی ازدواج نداشته باشند.» (کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۵۲۲)

این نحوه تشریح نشان‌دهنده آن است که حجاب و پوشش، حق زن است و در اسلام تکلیف همیشه بازگشت به حق دارد؛ به‌ویژه زنان جوان که ایشان را از خطرات احتمالی مصون می‌دارد. در



غیر این صورت چنین تخفیفی در مورد پوشش زنان سال خورده صادر نمی‌شد.

خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که به همسران و دختران و زنان مؤمن فرمان دهید جلاب (پارچه‌ای که تمام بدن را می‌پوشاند) به خود گیرند.

در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌خوانیم:

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...»

با وقار در خانه‌های خود قرار گیرید و همانند ظهور (زنان) در دوران جاهلیت نخستین (با آرایش و زینت) ظاهر نشوید ...

اما این بدان جهت نیست که زنان از خانه بیرون نیایند و خانه‌نشین شوند که لزوم حجاب برای همین موارد خروج از خانه و انجام کارهای ضروری است.

شهید مطهری در تحلیل آیه ۵۹ سوره احزاب می‌نویسد:

زن مسلمان چنان رفت‌وآمد کند که علائم وقار و عفاف از او هویدا شود و نیز (حجاب و پوشش تنها یک تکلیف است و نشانه یک خصلت انسانی یعنی عفاف) و همچنین قرآن، عفت دختران شعیب را در حال چوپانی و آب دادن به گوسفندان در جمع مردان و عفت حضرت مریم (علیهاالسلام) را در معبدی که همگان چه زن و چه مرد به پرستش می‌آمدند می‌ستاید.

ایشان می‌گوید: متانت در سلوک ظاهری و در انتخاب پوشش از عفاف درونی خبر می‌دهد. (مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، ص ۵۲-۵۴)

به طور کلی عفاف حالتی درونی است و هرچه حجاب بیشتر و بهتر باشد در تقویت و پرورش درونی عفت اثرگذارتر است. حجاب میوه عفاف و عفاف ریشه حجاب است. (معین‌الاسلام، ۱۳۸۶: ص ۶۵)

شارع درباره رنگ چادر نیز اشاراتی دارد. در ریشه لغوی جلاب، رنگ سیاه آمده است و در معنی جلب در بسیاری از کتاب‌های لغت، تیرگی و سیاهی آمده است؛ هم‌چنان که استفاده از «چادر سیاه»



(به دلیل ریشه قرآنی آن است.)

در روایت است که ام سلمه می گوید:

«وقتی آیه حجاب نازل شد. زن های انصار از خانه هایشان خارج شدند درحالی که پوششی سیاه

داشتند.» (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۲۰۴)

امروزه در روان شناسی رنگ، متخصصین بر این باورند که رنگ سیاه، رنگ صامت و غیرفعال

است؛ طوری که سبب تحریک و جلب توجه نمی شود. (ر.ک: مهدی زاده، ۱۳۸۱: ص ۷)

### – وجوب حجاب و مصادیق آن در عهد عتیق

در نصوص آیات کتاب مقدس عبری (عهد قدیم)، موارد بسیاری که به طور صریح یا ضمنی بر

وجوب حجاب و پوشش زن دلالت دارد، لفظ «نقاب: در زبان عبری (اکتست)، شامل ردای بلندی است

که در زنان بر سر می گذاشتند به طوری که صورت را هم می پوشانده است.» (ر.ک: پیدایش ۲۴: ۶۵؛ ۳۸:

۱۴، ۱۹) به وفور در این کتاب دیده می شود. حتی در برخی آیات لفظ چادر به کار رفته است.

یهودیان به تفکیک محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، منع گفتگوی بین زن و مرد در

ملاً عام حتی زن و شوهر، جلوگیری از رفتن به مدرسه و خطابه علنی زن از پشت پرده معتقدند و

این همه نه تنها نشان دهنده وجوب اصل حجاب است؛ بلکه نوع اوامر بیان گر نگاه سرسختانه

کتاب عهد قدیم و رفتار یهود به شدت عمل درباره کیفیت حجاب است. (ر. ک: محمدی آشتیانی،

۱۳۷۸ ش: ص ۹۵-۹۶)

در عهد عتیق می خوانیم:

«از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می روند و ناز

می خرامند و به پای خویش خلخال ها را به صدا درمی آورند. بنابراین خداوند فرق سر دختران

صهیون را کل خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود و در آن روز، خداوند

زینت خلخال ها و پشیمانی بندها و هلال ها را دور خواهد کرد و گوشوارها و دستبندها و روبندها را و

دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان ها و تعویذها را و انگشترها و حلقه های بینی را و زخوت



نفتیه و رداها و شال‌ها و کیسه‌ها را و آینه‌ها و کتان نازک و عمامه و برقع را و واقع می‌شود که به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود.» (اشعیا۳: ۱۲-۲۴)

از عقاب‌های واضح در این آیه، برداشتن نقاب زنان است و این نشان‌دهنده آن است که عادت در اسرائیل پوشیدن نقاب بوده است و چگونه خداوند چیزی را که مالک آن نیستند سلب می‌کند. (عامری، ط ۲۰۱۰ م، ص ۶۹) این نص دلالت بر وجوب پوشش سر با توجه به پیروی قدما دارد. (The oxford Dictionary of the jewish Religion p80)

منشأ حجاب زنان یهود، وجوب حجاب در شریعت ابراهیم (علیه‌السلام) بوده است. حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) همسر خود را در صندوق خانه قرار داد تا از دید نامحرمان پنهان بماند. (ر.ک: محمدی‌آشتیانی، ص ۱۰)

در عهد سلیمان (علیه‌السلام) نیز زنان افزون بر پوشش بدن، روبند به صورت می‌زدند و این در زمان حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) نیز رایج بود. (ر.ک: مهریزی، ص ۴۰-۴۱)

در شریعت موسوی این رویه ادامه می‌یابد. از سفر لایوان در تورات چنین استفاده می‌شود، از آنجا که کشف (نپوشاندن) سر در زمان حضرت موسی (علیه‌السلام) برای مردان کاری ناپسند و منکر محسوب می‌شود، پس برای زنان به وضوح واجب بوده است. (لایوان ۱۰: ۶)

به علاوه به داستان معروف موسی و شعیب نیز اشاره می‌کنند که حضرت موسی (علیه‌السلام) به دختران شعیب امر می‌کند که پشت سر او حرکت کرده و از پشت سر او را به منزل‌شان هدایت کنند. در آیاتی از سفر پیدایش درباره پوشش کامل در مقابل نامحرم چنین آمده است:

«و رفقه چشمان خود را بلند کرده و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد، زیرا خادم پرسید: این مرد کیست؟ که در صحرا به استقبال ما می‌آید؟ خادم گفت: آقای من است. سپس رفقه برقع (پوشیه) خود را گرفته، خود را با آن پوشانید.» (پیدایش ۲۴: ۵۸، ۶۷)

در تلمود (کتاب فقه مدون و آیین‌نامه زندگی یهودیان) می‌خوانیم:

«خداوند این نکته را مورد توجه قرار داد که زن را از کدامین عضو مرد بیافریند، او فرمود: من زن



را از سر آدم نمی‌آفرینم تا آنکه سبک سر نگردد؛ بلکه من زن را از قسمتی از بدن آدم (دنده) که همواره پوشیده و نهفته است می‌آفرینم تا آنکه موجودی محجوب و عفیف بار آید. (ر.ک: کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۷۸-۱۷۹)

هرچند امروزه استفاده از روسری توسط زنان در مجامع عمومی یهودی کمتر دیده می‌شود ولی با توجه به آیات فوق، «حجاب برای زنان یهودی به‌ویژه زنانی که ازدواج کردند واجب بوده است و هنوز هم یهودیان بنیادگرا پس از ازدواج موی سر خود را با روسری یا کلاه‌گیس از غیر همسر می‌پوشانند برخی نیز به همین منظور سرخود را می‌تراشند!» (ر.ک: توفیقی، ص ۲۷۹-۲۸۰)

عهد عتیق، آیات فراوانی درباره رعایت عفت و ارتباط مستقیم آن با حجاب دارد. در اِشعیا به زنان فرمان داده که به هنگام راه رفتن پشت سر مردان حرکت کنند و هرآنچه که در راه رفتن نظر مردان غریب و نامحرم را به خود جلب می‌کند (نظیر خلخال...) را ممنوع نموده است. (ر.ک: اشعیا ۳: ۱۶، ۲۴)

در تلمود، کتاب شریعت یهود در بیان استعمال زینت برای زنان آمده است که زن پرهیزگار زنی است که سرمه را برای یک چشم خود به کار می‌برد. (تلمود، سیدر شبات، ص ۸۰)

در توضیح این جمله آمده است، رسم زنان یهود این بوده که هنگام خروج از منزل سر خود را می‌پوشانده‌اند و حتی برخی اوقات آن پوشش تمام صورت به جز یک چشم (همان چشمی که زینت شده) را می‌پوشانند. (ر.ک: برابر، ص ۲۳۹)

علاوه بر این، بیشتر فقهای یهودی امر به پوشاندن مو و بدن به‌طور کامل کرده‌اند به سبب اینکه این امر ارتباط محکم و مستقیم با ویژگی عفت در آن‌ها دارد که گریزی از آن نیست. (ر.ک: عامری، ص ۸۲)

### - وجوب حجاب و مصادیق آن در عهد جدید

هم‌چنان که می‌دانیم زنان مسیحی تا چند دهه پیش موی سر خود را می‌پوشاندند و «همه تابلوها و مجسمه‌هایی که از حضرت مریم (علیهاالسلام) و قدیسه‌های مسیحی موجود است با



حجاب تهیه شده، حتی راهبه‌های مسیحی نیز موی سر خود را می‌پوشانند.» (مظاهری، ۱۳۹۰: ص ۲۵۰)

این گواهی تاریخی نشان‌گر باور اصیل مؤمنین مسیحی به اصل حجاب بوده است. بنا بر باور فقهی و نیز الهیاتی (کلامی) دستگاه مرجعیت کلیسا احکام شریعت یهود را درباره حجاب تغییر نداد؛ بلکه قوانین شدیدتری را نیز مطرح کرد.

چنان‌که پیشتر نیز آمد، «Peplum» در عهد جدید، ردایی است که زن بر سر قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که عادت یونانیان بوده که صورت را هم می‌پوشانده و فقط چشم‌ها دیده می‌شده است. در مسیحیت به دلیل تقدس تجرد و برای از بین بردن زمینه‌های تحریک و تهییج جوانان، رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش به شکل شدیدتری وارد شده است.

در کتاب مقدس عهد جدید، به‌طور صریح، آیاتی درباره لزوم عفت و خانه‌نشینی، آراستگی زن به وسیله حیا، پرهیز از آرایش با جواهرات... به ویژه در مراسم عبادی، دوری از نگاه به نامحرم دیده می‌شود. این آیات بیان‌گر آن است که حجاب واجب دینی آیین مسیحیت است. غیر از این، دستورهای دینی پاپ‌ها و کاردینال‌ها مبنی بر رعایت کامل حجاب و محصوربودن زن در خانه، وجوب پوشش صورت از هرگونه جواهرات و تزئین موی سر یا رنگ کردن آن، وجوب دوری‌گزینی از هر چیز تحریک‌آمیز و دوستان شهوت‌پرست سیمای احکام فقهی کلیسا را ترسیم می‌کند و شدت آن را نسبت به شریعت یهود نشان می‌دهد. (ر.ک: آشتیانی، ص ۱۲۰-۱۲۱)

کلمنت و ترتولیان (دو الهیدان و اسقف بزرگ مسیحیان) معتقد بودند زن باید کاملاً در حجاب پوشیده باشد؛ مگر اینکه در خانه بماند؛ زیرا فقط لباس که او را می‌پوشاند، می‌تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او جلوگیری کند. زن نباید صورت خود را عریان کند تا دیگران به او نگاه کنند. (ر.ک: آشتیانی، ص ۱۲)

در کتاب عهد جدید درباره پوشش موی سر چنین آمده است:

«هر زنی سر برهنه دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا سازد، زیرا این چنان است که تراشیده



شود، زیرا اگر زن نمی پوشد موی سر خود را، نیز بُرَد و اگر زن را موی سر بریدن و تراشیدن قبیح است باید بیوشد... در دل انصاف دهید آیا شایسته است که زن نا پوشیده نزد خدا دعا کند؟» (اول قرنتیان ۱۱: ۴-۹)

با توجه به این آیه پولس رسول درعین حال که بر حق زنان جهت سخنرانی آزاد و در اجتماع صحنه می گذارد ولی لزوم پوشش را برای آنان حتمی می داند و پوشش آنان را برابر مردان واجب می شمارد. (ر.ک: کونگ، هانس، ۱۳۸۹، ص ۳۰)

پولس در رساله اول قرنتیان می گوید:

«از این جهت زن باید عزتی (پوشش) بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان.» (اول قرنتیان ۱۱: ۱۰) این فراز، تأکید دارد که زن در کنیسه و خارج از آن، باید خاضع باشد.

این خضوع، نشانه ای دارد که همانا حجاب است. لذا واجب است بر زن موهای خود را برای احترام به فرشتگان در همه مکان ها بیوشاند.

در رساله پولس به تیموتائوس می خوانیم:

«زنان خویشان را بیاریند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلف ها و طلا و مروارید و رخت گران بها؛ بلکه چنانکه زنانی را می شاید که دعوی دین داری می کنند به اعمال صالحه.» (اول تیموتائوس ۲: ۹. ۱۰)

مفسرین احکام و موارد منع پوشش زنان را مبتنی بر این فراز و بدین شرح آورده اند: هر زینت خارجی که برای خودنمایی باشد؛ کوتاه کردن مو؛ لباس طلا؛ لباسی که با آن فخر بفروشد؛ استعمال زیورآلات گران بها. این محرمات محصور به این موارد نیست بلکه هر زن نصرانی به صراحت از اظهار زیبایی در مواجهه با مردان منع شده است. (ر.ک: الدسقولیه؛ از رساله های فقهی کنیسه های اولیه و نیز کنیسه های ارتدوکس مصر و حبشه امروز که در آن تعالیم شرعی و سلوکی رسولان مسیح برای راهنمایی خدام و وظایف شعبه های کنایس تدوین شده است، تعریب مرقس، ۱۹۷۹ م: ص ۲۶، به نقل از عامری، شریعه الله فی الاسلام و الیهودیه و النصرانیه، ص ۱۶۷)



در رساله پولس به تیموتائوس می‌خوانیم: «زنان خویشان را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها؛ بل چنان که زنانی را می‌شاید که دعوی دین‌داری می‌کنند به اعمال صالحه» (اول تیموتائوس ۲: ۹، ۱۰)

متی هنری در کتاب تفسیر کامل کتاب مقدس، ذیل این آیه می‌نویسد:

«جلال و حشمت در لباس بر زنان واجب است، زیرا خداوند نزد زنان زینتی با فضیلت‌تر قرار داده است که همانا انجام دادن دستورات الهی است. به همین خاطر بر همه زنان رعایت تقوا و عفت لازم است و باید آن را در لباس ظاهر نمایند.» (ر.ک: متی، هنری، ۲۰۰۲ م: ص ۴۷۸)



## نتیجه بحث

تشریح حجاب در قرآن، حکمی امضایی است؛ چراکه مبتنی بر «عفاف» است که خود امری فطری و مورد توجه شارع از ابتدای خلقت بوده است؛ بنابراین قرآن مانند سایر کتب ادیان ابراهیمی گذشته بدان توجه نموده است.

نگرش قرآن به مسئله حجاب، مبتنی بر اعتدال است؛ اما در عهد قدیم و جدید با نگرش افراط‌گونه‌ای روبرو هستیم که بیان‌گر مواضع سخت‌گیرانه آنان درباره نحوه و مصداق نوع پوشش (مانند تأکید بر چادر و برقع (روبند) در عهد قدیم) است. در بررسی عهد جدید نیز به نصوصی برمی‌خوریم که گویای تداوم حکم پوشش عهد قدیم است؛ بنابراین استفاده از چادر و برقع برای مسیحیان نیز مشروع و لازم شمرده شده است.



در بررسی مسئله عفاف در هر سه آیین ابراهیمی درمی یابیم که فرهنگ حاکم بر عهدین ملازم بر خانه نشینی و گوشه گیری زن از فعالیت های اجتماعی است؛ اما در فرهنگ قرآنی حضور مؤثر و فعال زن در اجتماع بخشی از فلسفه وجودی حکم پوشش است.



## منابع و مآخذ

\* قرآن کریم، ترجمه: آیت الله مکارم شیرازی. انتشارات آستان قدس رضوی

\* کتاب مقدس، ترجمه انجمن کتاب مقدس ایران.

۱. ابراهیم ابوالمجد، لیلی، المرأة بين اليهوديه والاسلام، قاهره، الدارالتقافيه، النشرالاول، ۱۴۲۸.

۲. ابن منظور، ابوالفضل، لسان العرب، بیروت، دارالتفکر، ۱۴۰۰ ق، واژه جلاباب

۳. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت و طه، چ اول، ۱۳۷۹ ش.

۴. الخوری، بولس الفغانی، التفسیر التطبیقی للعهد الجدید، شرکه ماستر میدیا، مصر، بی تا.

۵. الدسقولیه، تعریب مرقس داوود، القاهره، مکتبه المحبه، ۱۹۷۹ م.

۶. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، تاریخ تمدن، ج ۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.

۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج ۲، قم، نشر کتاب.

۸. سیوطی، جلال الدین، درالمنثور فی تفسیر بالمأثور، ج ۵، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی



نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۹. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی،

ج ۱۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.

۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه مترجمان، ج ۷ و ۸، انتشارات

خراسانی، ۱۳۶۰ ش.

۱۱. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا ج ۸.

۱۲. عامری، سامی، شریعة الله فی الاسلام و اليهودیة و النصرانیة، المؤسسة العلمیة للدعویة

العالمیة، ۲۰۱۰ م.

۱۳. العک، خالد عبدالرحمن، آداب الحیاه الزوجیه فی ضوء الكتاب و السنه، بیروت، دارالمعرفه،

۱۴۱۹ ق.

۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، دارالهجره، ج ۳، ۱۴۰۵ ق.

۱۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۴، ۱۳۸۳ ش.

۱۶. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، چ سوم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۱ ش.

۱۷. کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین، ج ۷، چاپخانه محمدحسن علمی، ۱۳۳۰ ش.

۱۸. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۵، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.

۱۹. کونگ، هانس، زن در مسیحیت، ترجمه طیبه مقدم و حمید بخشنده، قم، انتشارات دانشگاه

ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹ ش.

۲۰. کهن، آبراهام، گنجینه‌ای از تلمود با ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲ ش.



۲۱. گواهی، عبدالرحیم، واژه نامه ادیان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۸، ۱۳۸۷ ش.
۲۲. محمدی آشتیانی، علی، حجاب در ادیان الهی، قم، انتشارات یاقوت، ۱۳۷۸ ش.
۲۳. مستر هاکس: قاموس کتاب مقدس، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، ج ۷۹، ۱۳۷۹ ش.
۲۵. مظاهری، حبیب، شخصیت زن در قرآن و عهدین، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰ ش.
۲۶. معین الاسلام، مریم، پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم (ص)، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۶ ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۶، قم، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۷، ۱۳۷۰ ش.
۲۸. مهدی زاده، حسین، حجاب شناسی، چالش و کاوش های جدید، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱ ش.
۲۹. مهریزی، مهدی، حجاب، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹ ش.
۳۰. مبیدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۳۱. ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران، نشر نی، ج سوم، ۱۳۸۳ ش.
۳۲. هنری، متی، التفسیر الکامل الکتاب المقدس، مطبوعات ایلجز، قاهره، الطبعة الاولى، ۲۰۰۲ م.



سایت

۳۳. EncyclopeadiaJodaica. keter. Publishing Hous.LTD.jerusalem.

۳۴. CHARls Hodge. Commentary on the First Epistleb to the corinthians.Mishighan: Wm.B.Eerdmaans. publishing.1994.

۳۵. Franz Delitzch. A new commentary on Genesis.tr. Sophia Tagor New York: Scrber& 1889.

۳۶. Tomas Charles Edwards/A commentary on the First Epistle to the Corinthians / London:Hodder and Stoughton / 1885.

۳۷. The oxford Dictionary of the jewish Religion.

